

«پیام ما» مداخلات عمرانی در بافت تاریخی «شیراز» را بررسی می کند

«زندیه» زیر تیغ گودبرداری

درخواستی مبنی بر اختصاص سه و نیم تا پنج هکتار از جنگل های سراوان
برای گسترش سایت پسماند به سازمان منابع طبیعی ارسال شده است

جنگل تراشی برای مدیریت پسماند

■ معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی: بررسی های اولیه نشان
می دهد، بخشی از عرصه جدید پیشنهادی استانداری و کارگروه مدیریت
پسماند استان گیلان پوشش جنگلی و درختی دارد

یادداشت

یادی از تلاشگران بی نام و نشان کشاورزی پایدار

محمد اسماعیل اسدی |
پژوهشگر آب و خاک |

یادداشت

به بهانه صدسالگی «اسکندر فیروز» مرکز آموزشی و پژوهشی کنوانسیون رامسر در مرکز و غرب آسیا را احیا کنیم!

اماهان مهرآ |
کارشناسی ارشد علوم
و مهندسی محیط زیست |

طرح: مجتبی ملازاد | پیام ما



رئیس جمهور در نشست خبری با خبرنگاران
نمی توان شعار داد
می جنگیم، اما در
بازار گرانی باشد

حرفه ها جنسیت ندارند

گفت و گو با دختر مکانیکی که سعی در
تغییر کلیشه های جنسیتی دارد

تغییر نام «کمجان» تغییر هویت تالاب است

گفت و گوی «پیام ما» با دبیر تشکل
احیا کنندگان تالاب بین المللی کمجان
درباره فهرست جدید نام تالاب های کشور

دیدگاه

استادیم حقوق مان در دست بررسی است

اصدیه سادات میرزاپورا |
عضویت علمی دانشگاه
علوم و تحقیقات |

دیدگاه

بچه هایمان بچه امروزند نه گذشته

احورا طهرانی |
پژوهشگر و مدرس سواد
رسانه ای |

یادداشت

تأملی بر ممنوعیت آفرود در طبیعت ایران

قانون یا فرهنگ؟ یک دوگانه نادرست

دیگر، تنها با نصیحت و آموزش عمومی نهادینه
نشده اند؛ قانون نیز در تغییر رفتار اجتماعی نقش
تعیین کننده ای داشته است.

البته این به معنای آن نیست که هر قانونی الزاماً
موفق خواهد بود. قانونی که هیچ پشتوانه اجتماعی
نداشته باشد، معمولاً یا اجرا نمی شود یا پس از مدتی
بی اثر خواهد شد. قانون زمانی موفق است که
جامعه، دست کم در سطحی معنادار، ضرورت آن را
پذیرفته باشد.

به نظر می رسد ممنوعیت آفرود در عرصه های
طبیعی از همین دسته است. این تصمیم نه
محدودیتی برای یک نیاز عمومی، بلکه محدودیتی
برای فعالیتی است که گروهی نسبتاً محدود انجام
می دهند، در حالی که هزینه های آن را کل جامعه و
نسل های آینده می پردازند. از این رو، می توان انتظار
داشت که چنین تصمیمی از پشتوانه اجتماعی قابل
توجهی برخوردار باشد.

در چنین مواردی، قانون نه جایگزین
فرهنگ سازی، بلکه بخشی از فرایند فرهنگ سازی
است. جامعه، از طریق قانون، این پیام را به
شهروندان خود می دهد که برخی رفتارها دیگر
قابل پذیرش نیستند؛ زیرا منافع عمومی و
سرمايه های مشترک را تهدید می کنند.

سرزمین، میراث مشترک همه ماست. هیچ تفریح یا
سلیقه شخصی، هرچقدر هم برای گروهی جذاب
باشد، نمی تواند توجیه کننده تخریب منابع طبیعی،
زیست بوم ها و سرمايه هایی باشد که متعلق به همه
شهروندان و نسل های آینده اند.

شوند، هرگز به رفتارهای مطلوب فرهنگی تبدیل
نمی شوند.

آفرود در عرصه های طبیعی نیز، صرف نظر از انگیزه یا
علاقه انجام دهندگان آن، در عمل با تخریب خاک،
آسیب به پوشش گیاهی، برهم زدن زیستگاه های
حیات وحش، تخریب آبراهه های طبیعی، فرسایش
خاک و برهم خوردن ریخت شناسی سرزمین همراه
است. بنابراین، اگر چنین رفتاری در بخشی از جامعه
به یک عادت یا سرگرمی تبدیل شده باشد، این خود
نشانه وجود یک عنصر فرهنگی نامطلوب است، نه
دلیلی برای پذیرش آن.

از همین جا، مغالطه دوم نیز آشکار می شود؛ اینکه
گویی «فرهنگ سازی» در برابر «قانون گذاری» قرار دارد.
این تصور، خود ناشی از برداشتی نادرست از مفهوم
فرهنگ است. فرهنگ چیزی نیست که مانند یک
ساختمان ساخته شود و ناگهان به وجود آید.
فرهنگ، حاصل مجموعه ای از تجربه های اجتماعی،
آموزش، رسانه، خانواده، نظام آموزشی، رفتارهای
عمومی، مشوق ها، ضمانت های اجرایی و البته
قوانین است.

قانون، رقیب فرهنگ نیست؛ یکی از ابزارهای
شکل گیری و اصلاح فرهنگ است.

تقریباً همه جوامع، بسیاری از رفتارهای امروز خود را
ابتدا از مسیر قانون سامان داده اند و سپس آن
رفتارها به هنجارهای فرهنگی تبدیل شده اند. احترام
به کمر بند ایمنی، ممنوعیت استعمال دخانیات در
بسیاری از فضاهای عمومی، حفاظت از گونه های در
معرض خطر، منع شکار غیرقانونی و ده ها نمونه

مسعود امیرزاده |

افعال محیط زیست |



«انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران»
در بیانیه ای به مناسبت روز خبرنگار مطرح کرد

هشدار درباره تضعیف مرجعیت رسانه های داخلی

«انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران» در بیانیه ای به مناسبت هفدهم مردادماه، روز خبرنگار نسبت به تضعیف مرجعیت رسانه های داخلی، تشدید مشکلات معیشتی خبرنگاران و گسترش فعالیت رسانه های باخواه هشدار داد. در این بیانیه آمده است که خبرنگاران رسانه های کشور از هفدهم مردادماه سال گذشته تاکنون، یکی از دشوارترین دوران حرفه ای و معیشتی خود را پشت سر گذاشته اند. هیأت مدیره این انجمن با گرامی داشت یاد خبرنگارانی که در راه اطلاع رسانی جان خود را از دست داده اند، وقوع جنگ های تحمیلی صهیونیستی، آمریکایی، حوادث هجدهم و نوزدهم دی ماه و قطع اینترنت بین الملل را از مهم ترین موانع فعالیت حرفه ای خبرنگاران در این مدت دانسته است.

به گفته این انجمن، قطع اینترنت در ایام جنگ، مرجعیت رسانه های داخل کشور را بیش از گذشته تضعیف کرد و میدان خبررسانی را در اختیار برخی شبه رسانه های فارسی زبان خارج از کشور قرار داد. اختصاص «اینترنت پرو» یا «اینترنت سفید» نیز نتوانست این اختلال ارتباطی را برطرف کند؛ زیرا تولید خبر با اینترنت ویژه، در شرایطی که مخاطبان به اینترنت دسترسی ندارند، ناقض حق دسترسی آزادانه آنان به اطلاعات است.

در بخش دیگری از بیانیه، به تشدید مشکلات معیشتی خبرنگاران در پی قطع اینترنت، کاهش سفارش آگهی و تبلیغات و از دست رفتن مخاطبان شبکه های اجتماعی اشاره شده است. بررسی های اجمالی انجمن نشان می دهد در یک سال گذشته بیش از ده روزنامه نگار فقط در تهران شغل خود را از دست داده اند. شماری از خبرنگاران نیز ناچار شده اند با دستمزد سال گذشته به کار ادامه دهند، از بیمه تأمین اجتماعی صرف نظر کنند یا به نیروی پاروقت تبدیل شوند. این انجمن از دولت خواسته است سازوکار حمایتی برای بهبود معیشت خبرنگاران در نظر بگیرد و معیارهای تخصیص تسهیلات و حمایت های رسمی از رسانه ها را به شکل شفاف منتشر کند.

«انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران» همچنین درباره گسترش «باح نیوزها» هشدار داده و فعالیت آنها را محصول فضای غیرشفاف و غیرآزادانه گردش اطلاعات دانسته است. این انجمن ضمن استقبال از برخورد انتظامی و قضایی با افراد مرتبط با این جریان، برای انجام فعالیت های آموزشی، ترویجی و اجتماعی به منظور مقابله با باخ خواهی رسانه ای اعلام آمادگی کرده است.

خبر



تجمع خبرشیرنگار
روابط عمومی

روز خبرنگار

هفدهم مردادماه، روز خبرنگار، روز نکوداشت تلاش گران عرصه روشنگری
و پرچم داران آگاهی بخشی را پاس می داریم.



دیدگاه

استادیم؛ حقوق مان در دست بررسی است



اصدقہ سادات میرزاپورا

اعضویت علمی دانشگاه
علوم و تحقیقات

اکنون اواسط مردادماه ۱۴۰۵ خورشیدی است. هر روز دایم در گروه ایفای اعضای علمی فلاب دانشگاه با انجمن صنعتی دانشگاهیان، با همکاران سازمان سراسری موضوع که چند درصد از حقوق تیرماه‌ها هنوز پرداخت نشده، رابین می‌کنیم. شوخی که نیست؛ ما عضو هیئت علمی دانشگاه هستیم. روزهایی را به یاد دارم که برای تحریک خود همدلی فرودنگان و خودداری از آنکس تخفیف در بازار، خشم را به معلم معرفی می‌کردم. اما اکنون با تحقق نظام رتبه‌بندی در آموزش و پرورش و افزایش حقوق معلم‌های عزیز، من ریسکی را به جان نمی‌خرم. در این چند ماه، اعضای هیئت علمی کشور یک مهرات تازه یاد گرفته‌اند:

چطور بدون حقوق، همچنان هیئت علمی بمانیم؟
ما دیگر فقط استاد دانشگاه نیستیم؛ متخصصان مدیریت اضطراب، تنفس عمیق هنگام دیدن موجودی حساب و تفسیر بوده‌ای که هست ولی نیست، شده‌ایم.

هر ماه، یک بازی هیجان انگیز داریم: حقوق کی می رسد؟

این بازی نه سن دارد، نه محدودیت، نه قوانین مشخص. فقط یک قهرمان دارد؛ سنگی که می‌گویند رئیس سازمان برنامه‌ریز بوده سه‌راه را گذاشته. دکتر منتظر می‌گوید: «این سنگ آن قدر بزرگ است که اگر کنار دانشگاه بگذارد، می‌شود یک نماد ملی.» «در این مکتب فمیدیم حقوق اعضای هیئت علمی مثل قظراهی داشت؛ حرکت می‌کند، اما نه سه‌سوقت می‌رسد و نه کامل.

گاهی هم اصلاً نمی‌رسد و فقط صدای سوتش می‌آید. ما کارزار راه انداختیم، نامه نوشتیم، توضیح دادیم، خواهش کردیم، اعتراض کردیم، تحلیل کردیم، حتی از رئیس جمهور خواستیم.

اما انکار حقوق ماهم مثل پایان نامه های دانشجویان

ماه، بدون تأخیر، بدون کم و کاست، با ضریب کامل، منظم پرداخت می‌شود، استرس ماهانه ماست؛ هر دست بررسی». در این میان، تنها چیزی که دقیق و

اعضای هیئت علمی کشور حال یک تجربه مشترک دارند: اینکه چطور با حقوقی که دیر می‌آید، زودتر از موعد بی‌پولی را تجربه کنیم. دکتر منتظر حالا استاد دوشسته است؛ یکی رشته تخصصی خودش و دیگری «صبر پیشرفته باگرایش امید» می‌گوید: «شاید روزی برسد که حقوق ما هم مثل کلاس‌های دانشگاه، سر وقت برگزار شود، ولی تا آن روز، ما همچنان استادییم.»

«همین میزان کالایی که می‌توانیم وارد کنیم و همین میزان از دیگران در بازار دچار مشکل نمی‌شود، خود قابل قدرنمایی است. ما ملایم و مسئولان برای مدیریت بازار تشکر می‌کنیم»
صوف جلسه گذاشتیم، با اتاق‌های باز برای جلسات مختلفی می‌گذاریم و خود آنها خواستیم که با ما همکاری کنند. آنها این را با ما همکاری کردند، پزشکان در ادامه با اشاره به ضرورت مقابله با تخلفات و سوءاستفاده‌های عدلی در شرایط اقتصادی موجود گفت: «در هر جامعه‌ای افرادی از افراد وجود دارند که هر کاری انجام دهند، مرتکب تخلف می‌شوند و اصناف در حال پیگیری این موضوع هستند و ما نیز تلاش می‌کنیم و پیگیری می‌کنیم تا بتوانیم این مسئله را مدیریت و حل کنیم»، رئیس جهود در بخش دیگری از سخنان خود، با تبیین مهم‌ترین مسوولیت دولت در شرایط ناشی از جنگ و وضعیت نه جنگ و صلح، امنیت و توان دفاعی کشور را درگرو ایستادگی و مقاومت مردم و نیروهای مدافع کشور دانست و تصریح کرد: «مهم‌ترین بحثی که با ما رابطه با جنگ، با نه جنگ و نه صلح، با این وضعیت که وجود دارد، به‌عنوان مدیران آن نگران هستیم، این است که آمریکا می‌تواند ما را مورد حمله قرار دهد. تا زمانی که انسان‌هایی وجود دارند که می‌توانند بیایند و تاپای جان بمانند، آنها هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند». پزشکان در حال، علم و معیشت و وضعیت اقتصادی در امور مهم‌ترین نگرانی دولت عنوان کرد و با تأکید بر استمرار پیگیری این موضوع در جلسات دولت و تأسیع‌گیری‌های اقتصادی خاطرنشان کرد: «معیشت مردم و وضعیت اقتصادی مردم، نگرانی اصلی ماست. ما با تمام وجود تلاش می‌کنیم. جلسه دولتی وجود ندارد که در آن با مدیران اقتصادی درباره بحث معیشت مردم و موضوع تورم صحبت کنیم».

❖ مخالفان وصل شدن اینترنت

رئیس‌جمهور درباره وعده دولت برای اجرای مصوبه بازگشت وضعیت اینترنت به شرایط پیش از اعمال محدودیت‌ها با اشاره به ملاحظات و مشکلاتی موجود در این زمینه، به رغم تلاش برای رفع نگرانی‌ها و اصلاح پست‌های ارتباطی تأکید کرد و گفت: «عضی از دستگاه‌های امنیتی تهدیدی را در این رابطه ملاحظه می‌کنند و همچنین، با توجه به حملاتی که از این طریق به زیرساخت‌های انجام می‌گیرد، نگرانی‌هایی دارند.» پیش‌نیازبان با تشریح تصمیم دولت برای بازگشایی اینترنت، در توجیه به ملاحظات امنیتی و زیرساختی، افزود: «با وجود همه این موضوعات، ما تصمیم گرفتیم اینترنت باز شود و تلاش می‌کنیم که به سبب بازگشت آن نیز اصلاح‌هایی در این رابطه با سران سه قوه در حال گفت‌وگو هستیم و می‌شود رای امنیتی این کمیته نیز گت‌وگو می‌کنیم و سعی می‌کنیم مشکلات را حل کنیم.» پیش‌نیازبان درباره مقایسه عملکرد دولت چهاردهم با دولت قبل براساس شاخص‌ها و نمودارها، با تأکید بر ضرورت توجه به شرایط و اقتضات حاکم بر کشور در ارزیابی عملکرد دولت، اظهار کرد: «همه شامی داند جنگ یعنی چه، همین که تا حالا نتوانستند ما را ساقط کنند، یعنی هستیم و با قدرت هستیم، هرگونه مقایسه عملکردی در این مبنی بر شناخت شرایط و شرایط مقایسه‌های مؤثر بر عملکرد دولت‌ها باشد. وقتی می‌خواهیم مقایسه کنیم، باید ببینیم چه چیزی را به چه چیزی مقایسه می‌کنیم. از روزی که بنده مسئولیت را به عهده گرفتم، هر روز با یک مشکل مواجه بودیم، روز اول، پدر عزیزان، اسماعیل، هنیه، را بشکند دارند و این مسائل را پیدا کرد و اکنون نیز در این شرایط قرار داریم.»

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

که دیگر با جنگ و موشک نمی‌توان یک کشور را تسلیم و وارد به پیش‌پیش خواسته‌ها کرد، اما با اختلاف، تفرقه و دیگری‌های داخلی نمی‌توان یک کار کرد.

پژنیکیان با اشاره به مطالب و مواضع و درخواست مطرح شده از سوی رسانه‌ها و افراد مختلف، درباره ضرورت پرهیز از شکل‌گیری جرجه تقابل رسانه‌ای و تشدید دوقطبی‌ها گفت: «گاهی نیز بعضی از این رسانه‌ها و افراد، حرف‌های می‌زنند. می‌فهمم که تلاش کرده به آنها پاسخ ندهم، چون اگر بخوام پاسخ بدهم فقط ممکن است بعدالحد حرف‌های می‌کنند که گاهی درست نیست، شرایط به‌گونه‌ای شود که حرفی از یک طرف مطرح شود و پاسخ از طرف دیگر داده شود و در نهایت، هر طرف مخاطبان خود را جمع کند و می‌تواند بر برابر دیگر قرار بگیرد. این‌وقت بحث و انسجام ما می‌پاشد».

[دغدغه سفره مردم](#)

رئیس جمهور در ادامه، در رابطه با برنامه دولت برای حل مشکلات معیشتی مردم تأکید کرد: «دغدغه سفر مردم، دغدغه‌ای با حق است و اگر ما بتوانیم مشکلات معیشت مردم را سرایت مردم را حل کنیم، قطعاً کارها نتیجه‌ای نخواهد داشت و سیستمی خدشه من مربوط به این مسائل است، حتی در جلسه دولت حتی زمانی که خدمت‌یاری رسیدیم و همچنین در جلساتی که با همه عزیزان داریم و با آنان صحبت می‌کنیم، دغدغه و نگرانی من معیشت مردم است. حتی پیش از جنگ، نه همین بحث را داشتیم و تمام تلاش خود را به کار گرفتیم تا به هر شکلی که ممکن است، مسئله معیشت مردم را حل کنیم. و بسیاری که شکایت‌های بیشتری می‌وجود ندارد».

رئیس جمهور در ادامه با بیان اینکه راهی که در شرایط جنگی پیش روی ما قرار گرفته، پیچیده و دشوار است، افزود: وقتی اتفاقی برای ما افتد، به اتفاقاتی در جوامع شکل می‌گیرد؛ آمریکا و رژیم اسرائیل، که در حقیقت دارای رویکردهای ضد بشری هستند، و مسیونیت‌های نسل کش، با قدرت‌ها و فایزهای که در اختیار دارند، به کشور ما حمله کردند. در حوزة ما، برق، گاز، نفت، مساحت، زمین، دولت، ماکله‌ها و در همه چیزها با تارازهای می مواج هستند. اسباب پراساس همین تارازها حساب می‌رود که بپایند که حمله کنند و ایران اسرافقت کند. اما دفاع جانانه رزمندگان ما، سپاه و ارتش ما، دفاع و حضور، استثنایی مردم ما، پرافتخارهایی که همیشه در صحنه بودند و اندر میدان‌ها پرچم ما، پرافتخارهایی که به آن‌هایی که در حقیقت با ما مشکل دارند، اما همه‌ها کردند و در مقابله، دشمن، غدار،

ایستادند، اجازه نداد که دشمن به نیات شوم خود بپردازد. پینکیان بر ادامه تصریح کرد: حتی کسانی که به فکر براندازی و زندن و از این گروه‌ها و دسته‌ها محسوب می‌شدند، خود آنها را به نظر مخاطبان برای رابطه داشتن در قریب هم‌میدانستند؛ نوزند، چرا که آنها به فکر هیچ‌یک از اعضای جامعه ما نیستند. رئیس جمهور در شرح اقدامات دولت برای مقدمات بازار و تحاشات از معیشت مردم، با اشاره به شرایط دشوار اقتصادی و محدودیت‌های ایجادشده در مسیر مینا، قرار داد: بر تداوم تلاش ما برای کنترل قیمت‌ها و تأمین نیازهای اساسی جامعه تأکید کرد و گفت: اما در تلاش هستیم؛ چه در رابطه با انرژی و چه در رابطه با گران، البته تکراری موضوعی و قریبی است. راه ما، بستن است. ما از بازار این می‌آوریم و از مسواری احتاد ابرار می‌کردیم، اما اکنون باید مسیره‌های مختلف را طی کنیم و از راه‌های گوناگون کار را دراز کشور کنیم و به این مدنی نمی‌توان، این کارها را از یاد کرد. پینکیان بر قدرانی از تلاش مدوین، مسوولان و فعالان اقتصادی برای حفظ ثبات بازار افزود:

ریاست جمهوری

رئیس‌جمهور در نشست خبری با خبرنگاران:

**نمی‌توان شعار داد می‌جنگیم
اما در بازار گرانی باشد**

رئیس‌جمهور همنزمان با روز خبرنگار با اشاره به دغدغه دولت برای بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت مردم، جنگ را عاملی مهم برای افزایش تورم دانست و با تأکید بر اینکه گرانی در جامعه یک امر واقعی است، گفت: «ما برای بهبود معیشت مردم تلاش می‌کنیم. راه را با بسته‌اند. ما کالا را ارزان می‌آوریم و ما مسب‌های راحت وارد می‌کردیم. ما اکنون باید مسب‌های مختلف را طی کنیم و از راه‌های گوناگون کالا را وارد کشور کنیم و به این سادگی نمی‌توان این کارها را مسب‌ کرد».



ایاسر مختاری ا

روزنامه نگارا

پژشکیان هنر مدیریت اجتماعی و رسانه‌ای را در برجسته‌سازی اشتراکات و نقاط وحدت‌آفرین دانست و اظهار کرد: «هنر این است که ما در آن بخش‌هایی که نگاه و سلیقه‌مان با یکدیگر مشترک است، آنها را بزرگ کنیم و به میدان بیاوریم؛ نه اینکه نقاط اشکال را بزرگ کنیم، آنها را بزرگ کنیم و دائماً بر آنها تأکید کنیم». رئیس‌جمهور با اشاره به نقش «رسانه‌ها در تقویت انسجام اجتماعی و ملی تأکید کرد: «آنها کمک‌کننده‌شان برای ایجاد وحدت در داخل کشور بسیار مهم است».

پزشکیان در تبیین ضرورت حفظ انسجام داخلی در شرایط کنونی، با اشاره به رویکرد آمریکا و رژیم صهیونیستی و تحلیلگران آنها، گفت: «آمریکا، اسرائیل و تحلیلگران آنها خودشان می‌دانند

«(مسعود پزشکیان)، رئیس‌جمهور هفدهم مردم‌دار، در نشست خبری خود با خبرنگاران بر ضرورت توجه رسانه‌ها به مباحثات حاکم بر شرایط کشور تأکید کرد و گفت: «امیدوارم با سنجیدن مسئولیت‌ها که بر دوش دارید، بتوانید صادقانه، متعاضفانه و باواسطی مسأله‌ای که در کشور وجود دارد، به پیش ببرید. خیلی از حرف‌ها را شاید بتوان گفت و شاید انسان‌ها بخواهد آنها را بیان کند، اما ممکن است طرح آن به مصلحت نباشد. اینکه چگونه انسان پیام را منتقل کند، چگونه پیام بدهد، چگونه قضایایی ایجاد کند که وحدت و انسجام در داخل کشور شکل بگیرد، مهارت برهمنشاست.»

پزشکیان با تأکید بر این‌که خود اختلاف‌انظر در هر جامعه‌ای

[illegible]

درخواستی مبنی بر اختصاص سه و نیم تا پنج هکتار از جنگل های «سراوان» برای گسترش سایت پسماند به سازمان منابع طبیعی ارسال شده است

جنگل تراشی برای مدیریت پسماند

معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی: بررسی های اولیه نشان می دهد، بخشی از عرصه جدید

پیشنهادی استانداری و کارگروه مدیریت پسماند استان گیلان پوشش جنگلی و درختی دارد



تاریخچه

وضعیت دفنگاه زباله سراوان بعد از گذر چهار دهه همچنان بحرانی است. مردم روستاهای اطراف این دفنگاه در استان گیلان سال های سخت زیادی را از سر گذرانده و بارها به جرم ایستادن مقابل ماشین های حمل زباله بازداشت شده اند. آنها در این مدت تنها یک درخواست داشته اند؛ «دیگر زباله ای به سراوان نباید و دفنگاه سامان یابد.» حالا پس از کشمکش های مکرر خبر آمده که قرار است سه و نیم تا پنج هکتار از جنگل باز هم به دفنگاه سراوان داده شود. معاون امور جنگل و سخنگوی سازمان منابع طبیعی به «پیام ما» می گوید این درخواست درحال بررسی است و نباید عرصه جنگلی جدیدی دفنگاه شود، اما مدیرکل حفاظت محیط زیست استان گیلان معتقد است که چاره ای جز این کار نیست. دفنگاه سابق خاکریزی و به صورت تپه ای درآمده و حالا باید زمین جدیدی برای ریختن زباله ها اختصاص یابد. زمینی در قلب جنگل، کنار دفنگاه قبلی که باید برای راه اندازی اش درختان زیادی بریده شوند.

قرار است در هفته آینده، ابعاد مختلف این پرونده

بررسی شود. وسعت محدوده مورد درخواست نیز

بین سه و نیم تا پنج هکتار برآورد شده است».

پوریمقدم تأکید می کند اگر مدیریت پسماند همچنان بر

پایه توسعه دفنگاه پیش برود و روش های جایگزین به

کار گرفته نشود، این روند پایانی نخواهد داشت و

دفنگاه ناچار به توسعه های مکرر خواهد بود. این

موضوع به گفته او می تواند آسیب های جبران ناپذیری

به اکوسیستم جنگل های هیکرانی وارد کند. «این

پرونده صرفاً به منابع طبیعی مربوط نیست. قانون

مدیریت پسماند و ضوابط مصوب شورای عالی حفاظت

محیط زیست، شرایط مشخصی را برای مکان یابی و

توسعه محل های دفن زباله تعیین کرده اند و همه

دستگاه های مسئول باید براساس این ضوابط عمل

کنند. نقش سازمان حفاظت محیط زیست در این میان

تعیین کننده است. زیرا هرچا دفن پسماند سلامت

انسان یا محیط زیست را تهدید کند، این سازمان مکلف

به ورود و اعلام نظر کارشناسی است.»

مسئولان سازمان منابع طبیعی معتقدند روندی که

تاکنون در سراوان طی شده باید مورد بازبینی قرار

گیرد، زیرا بخشی از اقدامات گذشته در سطح استان

باقی مانده یا «ریجکت» کاهش پیدا کرده است. در نتیجه، بخش قابل توجهی از زباله ها همچنان راهی دفنگاه سراوان می شود.»

او مشکل را تنها در اضافه کردن زمین برای دفن

پسماند نمی داند بلکه مساله اصلی را نبود مدیریت

در شیرابه ها عنوان می کند. «هزاران هکتار از

اراضی تالابی، مصب رودخانه ها و زیست بوم های

پایین دست به دلیل نفوذ شیرابه زباله ها آسیب

دیده اند؛ شیرابه ای که از طریق رودخانه ها وارد

تالاب انزلی شده و در نهایت به دریای خزر می رسد.

ما هنوز در گیلان سامانه ای مؤثر برای تصفیه

شیرابه نداریم. قرار بود شیرابه تولیدشده در

کارخانه کود آلی تصفیه شود، اما این بخش از چرخه

مدیریت پسماند تاکنون به طور کامل محقق نشده و

همین مسئله یکی از مهم ترین چالش های

محیط زیست استان است.»

طایفه با اشاره به عملکرد کارخانه کود آلی می گوید این

مجموعه نسبت به سال های گذشته پیشرفت هایی

داشته است، اما هنوز تا رسیدن به شرایط مطلوب

فاصله دارد. بر اساس برنامه ریزی ها قرار بود تنها

حدود یک سوم پسماند پس از پردازش به عنوان

ریجکت به سراوان منتقل شود، اما این هدف هنوز

محقق نشده و حجم بالای زباله های ورودی، نیاز به

توسعه مداوم دفنگاه را ایجاد کرده است. «ظرفیت

دفنگاه سراوان کاملاً پر شده و در سال های اخیر

به صورت لایه لایه تسطیح و خاک پوشانی شده است.

حالا ناچار به توسعه در شیب ها و دره های مجاور

هستیم؛ وضعیتی که از نگاه محیط زیستی، راهحلی

پایدار محسوب نمی شود.»

مدیرکل حفاظت محیط زیست گیلان تأکید می کند

که این اداره کل نسبت به وضعیت سراوان شاکی

است و پیگیری های حقوقی خود را ادامه می دهد.

به اعتقاد او، اگر مدیریت پسماند مطابق قانون اجرا

شود و پردازش و تفکیک از مبدأ به درستی انجام

گیرد، اساساً نباید این حجم از ریجکت وارد سراوان

شود. «تجربه تلخ سراوان باعث شده افکار عمومی

نسبت به احداث هرگونه سایت جدید دفن زباله

حساس باشند. حتی بررسی های انجام شده برای

ایجاد دفنگاه در مناطقی مانند رودبار نیز با

مخالفت مردم روبه رو شده است. از همین رو،

استان ناچار است همزمان با استفاده از ظرفیت

دفنگاه های موجود، اصلاح ساختار مدیریت پسماند

را با جدیت دنبال کند.»

به گفته او، در ماه های اخیر جلسات متعددی برای

ساماندهی وضعیت سراوان برگزار شده و اقداماتی از

جمله اصلاح فرآیندهای کارخانه کود آلی، اجرای

سلول های مهندسی شده دفن و احداث واحد جدید

تصفیه شیرابه در دستور کار قرار گرفته است. او با

وجود تأکید بر اینکه این اقدامات هنوز به مرحله

اثربخشی کامل نرسیده اند، معتقد است روند آغازشده

نسبت به گذشته امیدوارکننده تر است و در صورت

تکمیل پروژه تصفیه شیرابه، می توان انتظار داشت

بخشی از مشکلات دیرینه این مجموعه کاهش یابد.

هیچ کدام از این حرف ها اما نجات دهنده چندین

هکتار از جنگل از شر زباله ها نخواهند بود.

صحبت هایی که طی سال های گذشته بارها تکرار

شده، جلستای که مدام برگزار شده و هیچ کدام

نتیجه ای دربر نداشته اند نگرانی فعالان و مردم را

چند برابر کرده است. مسئولان استانی حالا

می خواهند بار دیگر جنگل را درگیر زباله ها کنند و

با شکل گیری یک منطقه جدید، مدیریت پسماند از

مبدأ باز هم به حاشیه منتقل شود و در این میان

وزارت کشور به عنوان متولی اصلی و سازمان

شهرداری ها و دهیاری ها از سویی و از سوی دیگر

سازمان حفاظت محیط زیست باز هم چشمانشان را

بر بحران دایمی استان های شمالی بینند و تنها به

صحت های تکراری درباره تلاش هایشان و

خواستشان برای تفکیک از مبدأ ادامه دهند. دور

باطل مدیریت پسماند در ایران.

| یادداشت |

به بهانه صدسالگی «اسکندر فیروز»

مرکز آموزشی و پژوهشی کنوانسیون رامسر در مرکز و غرب آسیا را احیا کنیم!



امامان مهر او

ا کارشناسی ارشد علوم و مهندسی محیط زیست ا



شاید جای خوشبختی ایران ما بود که شخصی چون اسکندر فیروز در زمانه ای که توجه به حیات وحش اساساً به قرق های سلطنتی خلاصه می شد، توانست کانون شکار را به سازمان شکاربانی و نظارت بر صید و سپس به سازمان حفاظت محیط زیست تبدیل کند.

اقدام ارزشمند او برای شکل گیری کنوانسیون رامسر با هدف ایجاد تعهدی بین المللی در راستای صیانت از زیستگاه ها و پرندگان مهاجر آبرزی، نیز امروزه بیش از هر زمان دیگری قابل ستودن است.

اما ما با میراث فیروز چه کرده ایم؟ در خبرها آمد که استقرار مرکز منطقه ای کنوانسیون رامسر در مرکز و غرب آسیا برای یک دوره سه ساله در ایران تمدید شد.

می دانیم که برخی کشورها، همچون امارات متحده عربی، به شدت به دنبال استقرار این مرکز در کشور خود هستند و ما تاکنون، به صرف اعتبار مرحوم اسکندر فیروز و نام شهر رامسر، توانسته ایم این مرکز را همچنان حفظ کنیم.

پرسش این است که برای این امتیاز پراهمیت، که نطفه اش توسط یک ایرانی و در شهر رامسر بسته شده، چه کردیم؟

صرف داشتن یک ساختمان با نام مرکز آموزشی و پژوهشی کنوانسیون رامسر در مرکز و غرب آسیا، برای کشور ما و تالاب های آن چه سودی داشته است و چرا احیای این مرکز بین المللی در دستور کار سازمان حفاظت محیط زیست قرار نمی گیرد؟

تعالیم سازنده فی مابین وزارت خارجه، دفتر کنوانسیون های بین المللی سازمان حفاظت محیط زیست و مرکز منطقه ای کنوانسیون رامسر می تواند منجر به دستاورد هایی برای

کشورمان باشد و با دعوت از کشورهای عضو

برای برگزاری همایش ها و ارائه دستاوردها و

تجربیات احیای تالاب ها و مطالعات بر روی

گونه های مختلف تالابی، از جمله پرندگان،

به تبادل دانش بین کارشناسان و

پژوهشگران دولتی و خصوصی بینجامد.

تولید محتواهای آموزشی برای مدارس

شهرهای تالابی کشور، نیازسنجی پژوهشی

در همکاری با دانشگاه ها برای تالاب های

بین المللی و تالاب های بااهمیت داخلی و

موارد بسیاری دیگر می تواند از جمله

کارکردهای این مرکز باشد، اما در طی

سال های اخیر، به جز چند ویدئو یا

شرکت کنندگانی به اندازه انگشتان یک

دست، خروجی مشخصی از این مرکز دیده

نمی شود.

میراث اسکندر فیروز نیاز به توجه و

پاسداشت بهتری داشته و فعال کردن این

مرکز با حضور نیروهای جوان، متخصص،

باانگیزه و با دانش می تواند به حرکت بیشتر

این مرکز و سربلندی نام ایران عزیزمان

بینجامد. زمان برای حفظ سرمایه های مادی

و معنوی کوتاه است و باید با کار و

فعالیت های علمی، پژوهشی و عملی، در

برابر کشورهایی که به صرف داشتن وضعیت

اقتصادی بهتر یا ساخت تالاب های مصنوعی

با سپاس حاصل از تصفیه فاضلاب به دنبال

ربودن این مرکز هستند، بایستیم و میراث

فیروز را در مرکز و غرب آسیا همچنان

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی خودرو وانت - وانت پیکان ۱۶۰۰، مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید شیری به شماره موتور: 114F0049098 به شماره شاسی: 36AAAXDG6297392 به شماره پلاک ۳۵ ن ۷۴۴ ایران ۶۵ به نام عبدال اسحاقی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

منوجان

آگهی مفقودی

برگ سبز سواری سایپا تپ SAINA رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۹ به شماره موتور: M15/9040563 و شماره شاسی: NAS831100L5895534 به شماره پلاک ۵۴ ایران ۳۹۵ ن ۲۸ به نام عارف عابدی بنادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

هرمزگان

آگهی مناقصه عمومی تجدید شده

شماره ۱۰/۱۴۰۵/ع

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد " ارائه خدمات ایاب وذهاب و برقراری

سرویس رفت و برگشت کارکنان و تامین سرویس های مورد نیاز " خود را از طریق برگزاری مناقصه

عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای پروانه فعالیت از اداره راهداری و حمل و نقل جاده ای

واگذار نماید. لذا متقاضیان می توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی

WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را دریافت نمایند. آخرین مهلت تحویل

پاکات ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع معدنی

و صنعتی گل گهر و یا دبیرخانه دفتر تهران به آدرس: سعادت آباد خیابان علامه شمالی کوچه شماره

۱۶ غربی (کوروش) پلاک ۴۸ طبقه ۴ می باشد. ضمناً بازدید از محل اجرای موضوع مناقصه و شرکت

در جلسه پرسش و پاسخ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ مقرر شده است. شایان ذکر است فرمت

ضمانت نامه های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه

گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و

بدون جبران خسارت مختار می باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

آگهی مناقصه عمومی تجدید شده (نوبت دوم)

شماره ۰۹/۱۴۰۵/ع

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد " اجرای عملیات حفاری افقی زهکشی به

میزان ۷۰۰۰ متر " خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای گواهینامه

تأیید صلاحیت پیمانکاری معتبر با رتبه حداقل ۴ در رشته کاوش های زمینی از سازمان مدیریت و

برنامه ریزی کشور واگذار نماید. لذا متقاضیان می توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این

شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه نموده و اسناد مذکور را دریافت

نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکات تا ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ در محل دفتر

کمیسیون معاملات مجتمع معدنی و صنعتی گل گهر (کیلومتر ۵۰ جاده شیراز) و یا دبیرخانه دفتر

تهران به نشانی: سعادت آباد خیابان علامه شمالی کوچه شماره ۱۶ غربی (کوروش) پلاک ۴۸ طبقه

۴ می باشد. ضمناً بازدید از محل اجرای موضوع قرارداد روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ مقرر شده

است. شایان ذکر است فرمت ضمانت نامه های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت

ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل گهر در قبول یا رد هر یک از

پیشنهادهات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر



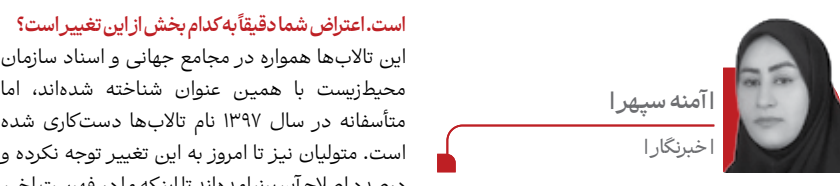
گفت‌وگوی «پیام ما» با دبیر «تشکل احیاکنندگان تالاب بین‌المللی کمجان» درباره فهرست جدید نام تالاب‌های کشور

گفت‌وگوی «پیام ما» با دبیر «تشکل احیاکنندگان تالاب بین‌المللی کمجان» درباره فهرست جدید نام تالاب‌های کشور

تغییر نام «کمجان»، تغییر هویت تالاب است

سیروس زارع: تالاب کمجان با همین عنوان در کنوانسیون رامسر ثبت شده است و سازمان حفاظت محیط‌زیست باید درباره تغییر نام آن پاسخ‌گو باشد

انتشار فهرست جدید تالاب‌های ایران از سوی معاونت محیط‌زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست، پس از تأیید هیئت‌وزیران، اعتراض فعالان محیط‌زیست در استان فارس را به دنبال داشته است. در این فهرست، نام تالاب بین‌المللی کمجان که به‌صورت مستقل در کنوانسیون رامسر ثبت شده، ذیل مجموعه تالاب‌های نی‌ریز (طشک و بختگان) قرار گرفته است. فعالان محیط‌زیست معتقدند تغییر عنوان ثبت‌شده این تالاب، هویت جغرافیایی آن را مخدوش می‌کند و خواستار اصلاح آن شده‌اند. «سیروس زارع»، فعال محیط‌زیست و دبیر تشکل احیاکنندگان تالاب بین‌المللی کمجان، در گفت‌وگو با «پیام ما» از جایگاه این تالاب در کنوانسیون رامسر، تغییر عنوان آن در فهرست جدید تالاب‌های کشور و نقش جامعه محلی در احیای این زیست‌بوم می‌گوید.



آئمه سپهرا
اخبرنگارا

آقای زارع! در فهرست جدید تالاب‌های کشور، نام کمجان ذیل مجموعه تالاب‌های نی‌ریز (طشک و بختگان) قرار گرفته

است. اعتراض شما دقیقاً به کدام بخش از این تغییر است؟

این تالاب‌ها همواره در مجامع جهانی و اسناد سازمان محیط‌زیست با همین عنوان شناخته شده‌اند، اما متأسفانه در سال ۱۳۹۷ نام تالاب‌ها دست‌کاری شده است. متولیان نیز تا امروز به این تغییر توجه نکرده و درصدد اصلاح آن برنیامده‌اند تا اینکه ما در فهرست اخیر متوجه این تغییر شدیم. درحال حاضر، دلیلی برای این اشتباه ارائه نشده است. مسئله اینجاست که کمجان را

یادی از تلاشگران بی‌نام‌ونشان کشاورزی پایدار

عملی در مزرعه، نشان داده‌اند که می‌توان تولید اقتصادی را با حفاظت از محیط‌زیست هم‌زمان کرد.
این کشاورزان که با دستان خود از آینده خاک، آب و امنیت غذایی حفاظت می‌کنند، «قهرمانان کشاورزی حفاظتی» هستند.
کشاورزی حفاظتی بر سه اصل به‌هم‌پیوسته استوار است: حداقل دستکاری مکانیکی خاک (کشت بی‌خاک‌ورزی یا کم‌خاک‌ورزی)، پوشش دائمی سطح خاک با بقایای گیاهی و مواد آلی و تنوع و رعایت اصول تناوب زراعی.
کشاورزانی که این اصول را اجرا می‌کنند، درواقع نمونه‌های زنده‌ای از کشاورزی پایدار هستند و نقش رهبران تغییر را در جوامع روستایی ایفا می‌کنند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، کشاورزان معمولاً بیش از توصیه‌های علمی و سیاست‌های رسمی، به تجربه موفق کشاورزان دیگر اعتماد می‌کنند. یک مزرعه موفق کشاورزی حفاظتی می‌تواند به یک کلاس آموزشی زنده تبدیل شود؛ جایی که

ذیل شهرستان نی‌ریز قرار داده‌اند؛ درحالی‌که فاصله کمجان تا شهرستان نی‌ریز بیش از ۳۰۰ کیلومتر مسیر جاده‌ای است.
به‌علاوه، از نظر تقسیمات جغرافیایی و سیاسی، تالاب کمجان در حوزه کربل و مجاور روستای کمجان قرار دارد و هیچ ارتباطی با نی‌ریز ندارد.
حالا سازمان محیط‌زیست باید پاسخ بدهد که چرا این تصمیم اشتباه گرفته شده است. این سند هویتی، سرمایه‌ای ملی است که هم در دنیا و هم در ایران با این عنوان شناخته می‌شود.

تالاب کمجان در اسناد بین‌المللی با چه عنوانی ثبت شده و جایگاه آن در کنوانسیون کنوانسیون رامسر چیست؟

بهترین و عالی‌ترین مرجع جهانی در حوزه تالاب‌ها، کنوانسیون رامسر است که در سال ۱۹۷۱ میلادی شکل گرفت. این تنها کنوانسیونی است که در سطح بین‌المللی با نام ایران شناخته می‌شود و مهم‌ترین کنوانسیون مربوط به سلامت زمین، تالاب‌ها، زیستگاه‌های آبی و نوار آ‌های ساحلی است. این مرجع برای تعیین نام تالاب‌ها، فرایندهای مشخصی دارد. نظرهای کارشناسی، بررسی نام‌های محلی و شرایط جغرافیایی، از جمله مواردی است که در ثبت تالاب‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. اولویت این بوده است که هر تالاب با نزدیک‌ترین محیطی که در آن قرار دارد، تقریباً با همان اسم یا نام محلی‌اش شناخته شود. در غیر این صورت، براساس ضوابط و پیشنهاد‌های مربوط، نام‌ها ثبت می‌شوند.

با توجه به این روند، کمجان چه جایگاهی در میان تالاب‌های ثبت‌شده حوزه رودخانه گر دارد؟

در حوزه تالاب‌های رودخانه گر، مهم‌ترین تالاب‌هایی که در سال ۱۹۷۱ شناسایی و در سال ۱۹۷۳ ثبت شدند، در کنوانسیون با عنوان «مجموعه تالاب‌های کمجان و نی‌ریز (طشک و بختگان)» معرفی شدند. در این کنوانسیون، کمجان تالابی مستقل است. این تالاب، در عین اینکه از دو تالاب دیگر کوچک‌تر بوده، با فاصله در غرب تالاب‌های بختگان و طشک قرار داشته است و به نام همان روستای کمجان که در مجاورت آن قرار داشته، نامیده شده است. در مقابل، طشک و بختگان نیز به دلیل مجاورت با نی‌ریز با این عنوان شناخته شده‌اند.

حالا این تغییر عنوان چه پیامدی برای جایگاه تالاب کمجان دارد؟

درست مثل این است که شما مشخصات شناسنامه‌ای شخصی را دست‌کاری کنید و نام پدر مادر نام خانوادگی با اهلیت او را تغییر دهید. درواقع، هویت شناسنامه‌ای آن شخص را زیر سؤال می‌برید. در این حوزه نیز متأسفانه چنین اتفاقی افتاده و هویت شناسنامه‌ای و جغرافیایی تالاب کمجان با این جابه‌جایی زیر سؤال رفته است.

آیا معتقدید این تغییر می‌تواند پیامدهایی فراتر از یک اشتباه اداری داشته باشد؟

امیدواریم این موضوع ناشی از یک اشتباه بوده باشد، اما

لازم بود ما این مسئله را به‌گوش همه برسانیم تا دوستان، سازمان محیط‌زیست و متولیان تالاب‌ها بدانند که باید دقت‌نظر بیشتری داشته باشند. ما نمی‌توانیم هویت‌های شناخته‌شده جهانی را با اشتباه سهوی، عمدی یا به هر دلیل دیگری تغییر بدهیم. این تغییرات می‌تواند در آینده نگرانی‌هایی ایجاد کند، شبهاتی به وجود بیاورد و حتی مسیرهای اشتباهی را پیش روی افرادی قرار دهد که شاید سلامت تالاب‌ها اولویتشان نباشد.

شما در این باره چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

ما اقدامات قانونی و لازم را شروع کرده‌ایم. مکاتباتمان را با سازمان محیط‌زیست در تهران و معاونت ریاست‌جمهوری انجام داده‌ایم و درخواست اصلاح نام به عنوان واقعی، حقیقی و ثبت‌شده در کنوانسیون رامسر را ارائه کرده‌ایم. به نظر لازم بود ما، به عنوان جامعه‌ای محلی که نگران زیستگاه، سلامت، آینده و هویت این زیستگاه هستیم، به‌موقع واکنش نشان دهیم. اگر اصلاح انجام نشود، برای پیگیری بیشتر از ظرفیت نخبگان کشور استفاده می‌کنیم تا مشخص شود چارچوب‌های حاکم بر تالاب‌ها مقدم بر سلیقه‌های شخصی و کم‌توجهی‌هاست.

واکنش سازمان حفاظت محیط‌زیست چه بوده است؟

در چند روز گذشته و پس از انعکاس موضوع از طرف ما، دفتر تالاب‌ها و معاونت دریایی سازمان محیط‌زیست با ما تماس گرفتند و گفتند: «این اشتباه را خود ما هم متوجه نشده بودیم و در اسرع وقت اصلاح می‌کنیم.» البته ممکن است این موضوع ناشی از سهل‌انگاری بوده باشد، اما در این صورت نیز دست‌کم باید پاسخ‌گو باشند، درصدد توجیه برنمایند و برای اصلاح هرچه سریع‌تر نام تالاب اقدام کنند.

آقای زارع! برای احیای کمجان چه مسیری طی شد و امروز این تالاب چه شرایطی دارد؟

ما کمجان را به‌سختی احیا کردیم؛ خودجوش ایستادیم، آسیب دیدیم، فشار تحمل کردیم و برای حفظ تالاب کمجان کم ضربه نخوردیم. به همین دلیل، انتظار داریم جوامع رسته‌ای، کشاورزی، ریزستی و البته متولیان تالاب‌ها دقت‌نظر بیشتری داشته باشند. متولیان باید دست‌کم اجازه دهند تلاش‌هایی که سال‌ها برای حفظ تالاب کمجان انجام شده است، هدر نرود.

سال‌ها انرژی، وقت، هزینه و عمریان را صرف زنده‌ماندن این تالاب کرده‌ایم تا سرنوشت آن، مانند بسیاری از تالاب‌های دیگر کشور، به خشکی، کانون تولید ریزگرد و نابودی ختم نشود. یقین داریم اگر فعالیت‌های احیایی این تالاب را شروع نکرده بودیم، تا امروز شاهد حیات آن نبودیم؛ درست مانند تمام سال‌هایی که کمجان خشک‌انده شده بود و در اختیار متولیانیش قرار داشت. همان‌طور که تالاب‌های دیگر خشک شدند و نتوانستیم کاری برایشان انجام دهیم.

البته این وضعیت دلایل متعددی دارد، اما کمجان در بدترین شرایط توانست نفس بکشد؛ چون برطرف کرد محلی در کنارش بود که به حفظ سلامت محیط زندگی و

۳. پایان دادن به سوزاندن بقایای گیاهی:

سوزاندن بقایای محصولات کشاورزی هنوز در برخی مناطق رایج است، اما این اقدام باعث انتشار گازهای گلخانه‌ای، نابودی ماده آلی خاک، ازبین‌رفتن موجودات مفید خاکزی و افزایش آلودگی هوا می‌شود. قهرمانان کشاورزی حفاظتی به‌جای آتش‌زدن بقایا، آن‌ها را به‌عنوان یک پوشش آلی ارزشمند روی خاک حفظ می‌کنند. این کار ضمن بهبود سلامت خاک، به ذخیره‌کربن ومقابله با تغییرات اقلیمی کمک می‌کند.

۴. افزایش تاب‌آوری در برابر تغییر اقلیم: افزایش دما، بی‌نظمی بارش‌ها وخشک‌سالی‌های طولانی، تولید کشاورزی را در سراسر جهان تهدید می‌کند. کشاورزی حفاظتی با افزایش ظرفیت نگهداری آب در خاک، کاهش فرسایش، تعدیل دمای خاک وافزایش تنوع زیستی، توان‌ساگاری مزارع را در برابر تنش‌های اقلیمی بالا می‌برد.

۵. اثبات امکان تولید پایدار و اقتصادی:

بسیاری از کشاورزان در ابتدا نگران هستند که کنار گذاشتن شخم سنتی موجب کاهش عملکرد شود. اما تجربه قهرمانان کشاورزی حفاظتی نشان داده است که می‌توان با کاهش مصرف سوخت، هزینه ماشین‌ها و نیروی کار ضمن حفظ یا

تالایش علاقه داشت. با اینکه کمجان تالابی محلی است، در سال‌های پربارش می‌توانسته تا ۱۰ هزار هکتار گستره آبی داشته باشد. همچنین ۵ هزار و ۲۵۰ هکتار از آن در کنوانسیون رامسر ثبت شده است. هنوز هم بخش‌های خشکیده حاشیه تالاب که احیا شده‌اند، منتظر دستان یاری‌گر طبیعت‌دوستان هستند تا برای احیای این تالاب همکاری کنند.

آ به نظر شما سازمان محیط‌زیست از این تجربه و ظرفیت بومی شکل گرفته در جریان احیای کمجان برای اکوسیستم‌های دیگر استفاده کرده است؟

اگر امروز کمجان نفس می‌کشد، زنده است، صاحب نامی در کشور شده و در مجامع جهانی به‌عنوان تالابی احیاشده شناخته می‌شود، به مدد فعالیت‌ها و تلاش‌های احیاکنندگان است. با اینکه هر تالابی نسخه خاص خودش را دارد و نمی‌توان دستورالعمل واحدی را برای همه تالاب‌ها اجرا کرد، می‌شد تجربه احیای کمجان را برای سایر تالاب‌ها بومی‌سازی کرد.

متأسفانه ما چنین انگیزه‌ای را در سازمان محیط‌زیست نمی‌بینیم. نه‌تنها تجربه کمجان مورد توجه قرار نگرفته است، بلکه همواره با این تجربه زیستی موفق تقابل شده است. ای کاش در این سال‌ها، به‌ویژه در چند سال اخیر، سازمان محیط‌زیست و متولیان تالاب‌ها به کمجان، به‌عنوان یک تجربه زیستی موفق، سر می‌زدند و جویای حال آن می‌شدند یا دست‌کم برای دلجویی از احیاکنندگان، سنگ‌اندازی نمی‌کردند.

آنچه جای سؤال دارد، این است که چرا احیای تالاب کمجان و احیاکنندگان آن مورد غضب محیط‌زیست کشور قرار گرفته‌اند؟ مگر می‌شود سازمان محیط‌زیست کاری بزرگ با این اهمیت را نادیده بگیرد؟ چه اتفاقی موجب این رفتار سازمان با تالاب احیاشده کمجان و احیاکنندگان آن شده است؟ کاش نگرانی‌شان را از احیای تالاب‌ها اعلام می‌کردند تا جامعه به‌دنبال احیای تالاب‌ها نباشد. این پیرش‌شود دارد که محیط‌زیست به‌دنبال احیای تالاب‌هاست یا خشک‌شان؟

آ انتظار شما از متولیان تالاب‌ها چیست؟

ما از آن‌ها انتظار زیادی نداریم. آن‌ها فقط باید همکاری کنند و به وظایفشان عمل کنند. اگر هم به‌وظیفه‌شان عمل نمی‌کنند، دست‌کم با ما تقابل نداشته باشند، اعمال فشار نکنند و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به احیاکنندگان و تالاب آسیب نرسانند. انگیزه‌ای برای احیای تالاب‌ها در محیط‌زیست نمی‌بینیم. تالاب‌ها در شعار برجسته‌اند، نه در اقدام اثرگذار. طرح‌های تدوین‌شده زیست‌بومی نیز نتوانسته‌اند تالاب‌ها را نجات دهند. نبود شفافیت در منابع مالی و هزینه‌کردهای تالابی و نبود پاسخ‌گویی در بخش تالاب‌ها، چالشی جدی است. جای سؤال دارد که چرا این موضوع واکاوی نمی‌شود. انتظار می‌رود خانم انصاری، رئیس سازمان، با درایت و توجه، خلأهای موجود در زیرمجموعه سازمان را برطرف کند و به اقدام‌های ارزشمند توجیه بیشتری داشته باشد.

حتی افزایش عملکرد، به‌تولید پایدار دست یافت.

۶. ترویج دانش از کشاورز به کشاورز:

یکی از مهم‌ترین نقش‌های کشاورزان پیشرو، انتقال تجربه به دیگر کشاورزان است. همسایگان زان مشترک دارند، مشکلات مشابهی را تجربه می‌کنند و زمانی که موفقیت یک روش را در مزرعه‌ای نزدیک مشاهده می‌کنند، تردیده‌ها به کنج‌گوش و سپس پذیرش تبدیل می‌شود.

ایران نیز طی دو دهه گذشته شاهد ظهور کشاورزان پیشگامی بوده است که با وجود مشکلات فنی، اقتصادی و اجتماعی، مسیر کشاورزی پایدار را دنبال کرده‌اند. از جمله این کشاورزان می‌توان به «محمدرمضی زاده» در ردفول (خوزستان) اشاره کرد؛ از پیشگامان کشاورزی حفاظتی در جنوب ایران که با اجرای کشت بی‌خاک‌ورزی و حفظ بقایا، مزایای اقتصادی و زیست‌محیطی این روش را در شرایط اقلیمی خوزستان نشان داده‌است. «سینعلی کشیری» درروستای چهارده، شهرستان کردکوی (گلستان)، کشاورزی است که با تلاش مستمر در زمینه کشاورزی حفاظتی و مدیریت بقایای گیاهی، به افزایش آگاهی کشاورزان منطقه درباره حفاظت از خاک کمک کرده است.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

نوبت اول	اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
 لوگو 	گرفته شده است لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ غلامرضا دهقانی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان زرن شناسه آگهی: ۲۴۴۷۲۵۵

دعوت‌نامه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده	
با سلام واحترام بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت صاروج دیار کریمان پارس (سهامی عام) با شناسه ملی ۱۰۶۳۰۱۶۶۵۱۲ دعوت می‌گردد تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۰:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در کرمان، خیابان طالقانی، جنب سینما، ساختمان صاروج پارس برگزار خواهد شد، حضور بهم رسانند. دستور جلسه: ۱) استماع گزارش عملکرد هیئت‌مدیره ۲) استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی شرکت ۳) تصویب صورت‌های مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹ ۴) انتخاب حسابرس، بازرس اصلی و علی‌البدل سال مالی ۱۴۰۵ ۵) انتخاب روزنامه کثیرالانتشار هیئت‌مدیره شرکت صاروج دیار کریمان پارس (سهامی عام)	

خبر

خبر

خبر

مرگ پلنگ ایرانی در ارتفاعات «ناین»

رئیس اداره حیات‌وحش اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان از کشف لاشه یک پلنگ ایرانی در ارتفاعات عباس‌آباد ناین خبر داد.

«مرتضی جوهری» با اعلام این خبر گفت: «پس از اطلاع از مشاهده یک پلنگ پنج‌ساله در ارتفاعات عباس‌آباد ناین از سوی محیط‌بانان در کشت روزانه، موضوع بررسی شد و وضعیت لاشه این حیوان مورد ارزیابی قرار گرفت. براساس بررسی‌های کارشناسی و معاینات اولیه، هیچ‌گونه آثار قابل مشاهده‌ای از تیراندازی، اصابت گلوله، ضربه یا سقوط در بدن این حیوان مشاهده نشد.»

او افزود: «این پلنگ در کنار لاشه قوچ پیدا شده که به احتمال قوی شکار حیوان بوده است. پس از بررسی‌های انجام‌شده، آثار مشخصی از تیراندازی یا اصابت گلوله روی بدن پلنگ مشاهده نشد و همچنین نشانه‌ای که بیانگر وارد شدن ضربه شدید، سقوط از ارتفاع یا آسیب‌دیدگی ناشی از عوامل خارجی باشد، وجود نداشت.» رئیس اداره حیات‌وحش اداره کل محیط‌زیست استان اصفهان با بیان اینکه وضعیت ظاهری بدن حیوان سالم بوده است، تصریح کرد: «بررسی‌های انجام‌شده، وجود علائم ظاهری ناشی از برخورد یا جراحت شدید را تأیید نمی‌کند و در مجموع، مورد مشاهده‌شده از نظر ظاهری کاملاً سالم بوده است.» به گفته او، با اینکه نشانه‌ای از دخالت عامل انسانی در مرگ آن مشاهده نشده است، دلیل این اتفاق در دست بررسی است. جوهری همچنین درباره محدوده زیست این پلنگ گفت: «ارتفاعات عباس‌آباد ناین از جمله مناطقی است که در سال‌های اخیر موارد بیشتری از مشاهده پلنگ در آن گزارش شده است و حضور پلنگ ایرانی در این محدوده سابقه دارد.» ایزنا

